

# نسبت جمهوریت و عدالت در گفتمان دولت سیزدهم

■ سیدعلی لطیفی

درخصوص عدالت بسیاری از مکاتب فکری و سیاسی جهان داد سخن بسیار رانده‌اند اما جهان همچنان تشنه عدالت است. یکی از علت‌های این تشنگی، بنیاد و مبانی‌ای است که عدالت را تعریف می‌کند و هنوز که هنوز است این عقلانیت‌ها نتوانسته‌اند عدالتی را بنیان نهند که جان تشنه آدمی را سیراب سازد.

در تعبیر دینی و فلسفی بارها این جمله را شنیده‌ایم که عدالت یعنی «وَضْعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ». قرار دادن هر چیزی در جایگاه و وضعیت خود نیازمند دانش و بینشی است که از آن تعبیر به عقلانیت می‌شود. بنابراین عقلانیت مبنای عدالت است؛ اما سؤال اساسی این است که این عقلانیت تابع چه رویکرد و گفتمانی است؟ گاهی عقلانیت با اشرافیت افلاطونی گره خورده و عدالتی اشرافی و آریستوکراتیک پدید می‌آورد، گاهی این عقلانیت رنگ و بوی سوبژکتیویسم به خود گرفته و عدالت لیبرالیستی از دل آن خارج شده است، اما هیچ کدام از این عقلانیت‌ها نتوانستند مشکل حکمرانی را حل کنند و هر روز شاهد فاصله طبقاتی بیشتری در جوامع شدیم. بحثی که امروز در ادبیات علوم انسانی بیشتر از گذشته مطرح شده است، عقلانیت معطوف به مردم بمافو مردم است؛ یعنی اینکه مردم بمافو مردم دارای شعور متعارف و عقل سلیمی هستند که اگر مبنای کنشگری اجتماعی قرار گیرد، منجر به تحقق عدالت برای همه مردم خواهد شد. بنابراین مردم به عنوان مبنای عدالت جایگزین سوژه منفردی است که هستی را صرفاً در ازدیاد تأمین منافع شخصی خود تعریف کرده و بحرانی جهانی به نام نظام کاپیتالیستی به‌وجود می‌آورد. در سایه این امر است که امروز ادبیات جهانی پر از جدال نگاه نخبگانی و مردم‌گرایانه است. با این ملاحظه که مردم‌گرایی نسخه اصیل جریان پوپولیسم است که متأسفانه میان این دو، مغالطه‌ای صورت می‌گیرد. در واقع پوپولیسم نسخه سقوط کرده جمهوریت و مردم‌گرایی است که ماحصل آن تداوم نظام کاپیتالیستی در جهان است. موضوعی که به‌صورت مضمیر توسط ادوارد برنیز در کتاب صنعت پروپاگاندا تحت عنوان دولت نامرئی نظام‌های دموکراتیک مطرح شد.

با توجه به نکته‌ای که عرض شد، باید عنوان کنیم امروز جهان به سمت توسعه مبتنی بر عقلانیت مردمی است. عقلانیتی که در آن ضمن پیشرفت، ملاحظات ارگانیک و زیستی نسبت به زندگی انسان‌ها بیش‌ازپیش پررنگ شده و تمدن دیگر به تعبیر هگل عرصه جنگ نیست و آن را باید لکوموتیو تاریخ انسان دید. همین مبنای است که روزه‌روز انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک ساخته تا در یک نظام شبکه‌ای و درهم‌تنیده خود را از یوغ سلطه‌پذیری خارج کنند.

با این مقدمه به این نتیجه می‌رسیم که جمهوریت پایه و بنیاد عقلانیتی است که عدالت ذیل آن در بیشینه‌ترین حالت به منصفه‌ظهور می‌رسد و هر طریقی غیر از این مسیر و بنیاد، سرانجامی جز گسترش بی‌عدالتی در جهان و شکل‌گیری طبقات ممتاز نخواهد داشت. در سایه این برداشت از عقلانیت و عدالت است که حکمرانی از معیارهای کمی مبتنی بر دموکراسی به سمت معیار کیفی و جمهور تغییر مسیر داده و جمهوریت جایگزین دموکراسی خواهد شد. با نظر به انقلاب اسلامی ایران و جایگاه محوری آن در ترسیم تمدن نوین اسلامی در جهان، شاهد هستیم که جمهوریت نقطه تمایز این انقلاب با سایر انقلاب‌های مدرن جهان است. با این ملاحظه که جمهوریت در این انقلاب آیین رخ‌نمای اسلامیت است. به عبارت دیگر، جمهوریت در ظرف اسلامیت خود را به ظهور می‌رساند و غیر از آن، دچار پوپولیسم خواهد شد. این نکته زمانی بسیار مشهود است که در ادبیات دینی، جمهوریت با تکیه بر مفهوم فطرت، مشروعیت یافته و به عنوان دال مرکزی، عقلانیت و عدالت را بر اساس هدف خلقت و ارسال نبوت

جهت‌دهی می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم جمهوریت یا «الناس» را در کنار «فطرت» قرار داده و از دل آن نظام امت‌امامت را به عنوان زندگی متعالی برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی مطرح می‌سازد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ». به عبارت دیگر، فطرت که جایگاه توحید در آفاق و انفس است، به مردم اصیل و سقوط ناکرده، معنا و هویت بخشیده و آن را به عنوان بهترین طریق تحقق عقلانیت پیش روی حاکمان قرار داده است. عقلانیتی که در ذیل آن، عدالت و قسط در زمین برپا می‌شود و بشر به سرانجام تمدنی تاریخ که همان تحقق عدالت روی زمین است، می‌رسد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

خوشبختانه دولت سیزدهم بر اثر تجربه تلخ دهه نود، به‌دنبال احیای این شعار بنیادین انقلاب اسلامی تحت گفتمان جمهوریت و عدالت است. به عبارت دیگر، حکمرانی این دولت نه بر اساس عقلانیت نئولیبرالیسم بلکه بر اساس بسط و گسترش عقلانیت مبتنی بر جمهوریت تعریف شده است. دولت سیزدهم در اولین گام تحقق این گفتمان، به‌جای تکیه به آمارها و داده‌ها، حضور در میان مردم و شنیدن مشکلات آنها از زبان خودشان را به عنوان مسیر درست برای سیاست‌گذاری انتخاب کرده تا در گام‌های بعدی بر اساس لمس مشکلات مردم، تصمیمات متناسب با وضعیت اقتصادی آنان اتخاذ کند.

در واقع ما در حکمرانی با دو نوع عقلانیت مواجه هستیم؛ یک نوع عقلانیت مبتنی بر دیدن است که از دل آنها الگوی توسعه افسارگسیخته خارج شده است و یک نوع عقلانیت، مبتنی بر شنیدن که پایه جمهوریت اصیل را شکل می‌دهد. تأکید مقام معظم رهبری بر حضور در میان مردم و اهتمام شخص ریاست جمهوری بر این موضوع از دوران ریاست بر قوه قضائیه تا ریاست قوه مجریه حکایت از آن دارد که دولت سیزدهم، نحوه متفاوتی از عقلانیت را وجهه مدیریت کشور قرار داده و سعی دارد فارغ از جناح‌بندی‌ها و به نفع جمهور، قطار انقلاب را بیش‌ازپیش در مسیر افق تمدنی حرکت دهد و آثار مخرب حکمرانی دهه نود را از چهره کشور بزداید.



ویژه‌نامه

دولت  
بهرت

ایران

چهارشنبه  
۲ شهریور ۱۴۰۱